

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۱۶۱۴ رده بندی کنگره: ح ۲۴/۹۲۷۵

مبانی فقهی ضرورت تولید، پشتیبانی و مانع‌زدایی از آن

اکرم صفرپور^۱

پژوهشگر و محقق

دکتر سیدمصطفی حسینی

پژوهشگر و محقق

چکیده

در بینش اسلام مقوله «تولید» مهم‌ترین رکن اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود و افزایش نرخ آن از اهداف اقتصادی جوامع اسلامی است و بسیار مورد تأکید و توصیه است. همچنین در مباحث اقتصادی رایج دنیا، تولید یکی از ارکان اصلی اقتصاد به شمار می‌آید. اگرچه در اقتصاد سرمایه‌داری، انسان وسیله‌ای است در خدمت تولید، و لذا انسان (منابع انسانی) هم پایه دیگر ابزار، دیده می‌شود؛ ولی در سیستم اقتصادی اسلام، محوریت با انسان (منابع انسانی) است و «تولید» وسیله‌ای در خدمت اوست. در بسیاری از اقوام تاریخی گذشته، کار و تولید را امری سخیف و ویژه بردگان و انسان‌های ضعیف می‌دانستند. این تلقی در برخی از جوامع، تا این اواخر باقی بود. از نگاه یهود، تولید تنها فعالیتی ضروری برای جلوگیری از فقر به شمار می‌رفت. با ظهور کلیسای پروتستان، کار و تولید، مظهر اراده الهی قلمداد شد و ارزش ذاتی یافت. این اندیشه مبنای پیدایش دوران شکوفایی اقتصاد سرمایه داری شد. لیکن اسلام به کار و تولید، ارزش واقعی بخشید و از طریق آموزه‌های تربیتی و فرهنگی خاص خود، شرایط لازم را جهت تولید و بهره‌برداری صحیح از طبیعت، فراهم ساخت و همگان را به تشریک مساعی در آن فرا خواند. دلیلش هم روشن بود، زیرا اسلام، خواهان عزت و استقلال جامعه اسلامی بود، و هرگونه تسلط بیگانه و وابستگی به آنان را بنابر اصل محکم نفی سبیل و برتری اسلام، مردود می‌دانست، طبیعی بود که، تولید انواع فرآورده‌های مادی و فیزیکی از یک طرف و تربیت نیروهای متخصص انسانی و مجهز شدن به آخرین دستاوردهای علمی بشر از سوی دیگر، در سرلوحه آموزه‌های دینی این آیین آسمانی قرار گیرد. در اسلام بر موضوع تولید، پشتیبانی و مانع‌زدایی از آن تأکید جدی شده است، و انگیزه‌های دینی و توجه به معارف اسلامی پشوانه مناسبی برای ایجاد تحول و تسهیل در انجام امور است، بنابراین باید با تدوین و اجرای

^۱ نویسنده مسئول

استانداردها در تمام کالاها مانع بهانه‌تراشی دشمن در خصوص پشتیبانی و مانع زدایی تولید محصولات داخل شد. براین اساس، یکی از مباحثی که در چند سال اخیر به عنوان یکی از مسائل مهم مطرح گردیده است، تکیه بر تولید داخلی و پشتیبانی از آن است تا از فشار تحریم‌های اقتصادی کاسته شده و در نتیجه استقلال کشور حفظ گردد. مقام معظم رهبری به عنوان پیش قراول این مبحث، در سال‌های اخیر شعارهای سال را در جهت تقویت اقتصاد داخلی، تعیین نموده است؛ به گونه‌ای که برخی از سال‌ها را سال حمایت از کالای ایرانی و سال رونق تولید ملی نام نهاده است. با توجه به مطالب بیان شده، پژوهش حاضر درصدد است مسأله ضرورت تولید، پشتیبانی و مانع زدایی از آن را بعنوان شعار سال براساس مبانی فقهی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: تولید، نوآوری، پشتیبانی، مانع‌زدایی، سرمایه‌داری

بخش اول: اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت فضای اقتصاد، تولید و نوآوری در شرایط فعلی کشور به حدی است که امسال پشتیبانی و مانع زدایی از تولید به عنوان شعار سال از سوی رهبر انقلاب مطرح شده و سمت و سوی برنامه ریزی و خط مشی اداره کشور برای قوای سه گانه مشخص شد. مبحث فضای اقتصاد، تولید و نوآوری چندین سال است که توسط مقام معظم رهبری مطرح می‌شود و این حاکی از اهمیت موضوع تولید در رونق اقتصادی کشور است.

بند اول: هدف‌های پژوهش

- تبیین آیات شریفه و سیره‌ی معصومین برای رسیدن به اقتصاد سالم، پشتیبانی و رشد تولید داخلی کشور و رفع موانع آن
- تبیین راهکارهای مناسب برای تحقق تولید داخلی و پشتیبانی از آن در کشور ایران

بند دوم: سوال‌های پژوهش

- تولید، پشتیبانی و مانع زدایی از آن، بر کدام یک از مبانی فقهی شیعه استوار است؟

-عوامل موفقیت در تولید داخلی، پشتیبانی و مانع زدایی از آن کدام است؟

بند سوم: فرضیه‌های پژوهش

-تولید، پشتیبانی و مانع‌زدایی از آن را می‌توان مبتنی بر قواعد فقهی مختلفی از جمله قاعده لاضرر، نفی سبیل، عدالت، جهاد، اسراف و... دانست.

-به نظر می‌رسد مدیریت، برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل، تثبیت ارزش واقعی پول، فروش کالاهای مرغوب و حذف واسطه‌های غیر لازم، سبب مانع‌زدایی از تولید ملی و حمایت از آن و اجرایی شدن تولید خواهد شد.

بند چهارم: روش اجرای پژوهش

روش تحقیق حاضر، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است؛ و با استناد به منابع موجود در کتابخانه به گردآوری داده‌ها و اطلاعات پرداخته شده است.

بخش دوم: تعریف لغوی مبانی

لغت‌شناسان مبانی را جمع مبنی به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۶۴، ص ۶۸). آنان این واژگان را با کلمات همچون اصل، قاعده، ضابطه مترادف شمرده‌اند.

مراد ما از اصطلاح مبنا در این نوشتار نیز بیان پیش‌فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی و نیز دلایل جواز و مشروعیتی می‌باشد که برای تولید و ضرورت حمایت از آن در منابع استنباط احکام شرعی وجود دارد.

بند اول: فقه در لغت

در نگاه بدوی و مراجعه ابتدایی به کلمات و تعبیرات کثیری از اهل لغت، به نظر می‌رسد که «فقه» به معنای مطلق فهم باشد و این معنا از تعبیراتی نظیر گفته‌های ذیل استفاده می‌شود:

«الْفِقْهُ: الْفَهْمُ. قَالَ أَغْرَابِيُّ لِعِيسَى بْنِ عَمْرٍ: شَهِدْتُ عَلَيْكَ بِالْفِقْهِ...»

«الْفِقْهُ، بِالْكَسْرِ: الْعِلْمُ بِالشَّيْءِ، وَالْفَهْمُ لَهُ، وَالْفِطْنَةُ.»

«الْفِقْهُ: فَهْمُ الشَّيْءِ» (جزایری، ۱۴۱۴، ص ۱۷۶).

ولی با تأمل و نگاهی مجدد خصوصاً به عبارات دانشمندانی که در مقام تعیین تفاوت های ظریف بین واژگان متشابه برآمده اند و فروق اللغة را تدوین کرده اند، به این نتیجه می رسیم که «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست؛ بلکه موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق را «فقه» گویند، و اگر بخواهیم دقیق تر سخن بگوییم باید به جای «فهم دقیق» از واژه «ادراک دقیق» استفاده کنیم و بگوییم: با مراجعه به فروق اللغة، به این نتیجه می رسیم که فقه در لغت، مطلق علم به یک شیء و ادراک آن نیست؛ بلکه ریزبینی و ادراک دقیق را «فقه» گویند،

بند دوم: تولید در لغت

واژه Production در لغت به معانی استخراج، فرآورده، محصول، کار، عمل، نتیجه، ارائه و تولید آمده است (حییم، ۱۳۸۶، ص ۵۲۶) و در اقتصاد، خلق مطلوبیت از طریق فعالیت انسانی است. تولید از نظر علم اقتصاد، دربردارنده خلق اشیا توسط انسان نیز هست؛ ولی شامل دیگر فعالیت های خدماتی چون حفاظت و نگهداری، پاکیزه سازی و غیره هم می شود (مریدی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۵).

در یک تعریف کلی تر، تولید عبارت است از هرگونه فعالیت و کار (صرف انرژی) که عنصر یا عناصری از طبیعت را به مصرف انسان نزدیک کند؛ برای مثال کشت گندم که از یک دانه گندم چندین ده دانه به وجود می آورد؛ یعنی خاک را به مصرف نزدیک می سازد (توانایی فرد، ۱۳۸۵، ص ۸۱۷).

بند سوم: مانع در لغت و اصطلاح

مانع در فارسی به معنای بازدارنده، منع کننده، و جلوگیری می باشد و مترادف با کلماتی نظیر حائل، دافع، رادع، زاجر و عایق به کار می رود. (ن. ک: دهخدا، ذیل واژه) بر اساس تعریفی که میتوان آن را تعریف مشهور دانست، مانع در اصطلاح فقه عبارت است از: «ما یلزم من وجوده العدم، و لا یلزم من عدمه وجود و لا عدم لذاته» (شهیداول، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵۵). (یعنی: مانع چیزی است که بودنش مستلزم نبودن [معلول و اثر] است اما نبودنش به خودی خود مستلزم بودن یا نبودن [آن] نیست.) برای نمونه، قتل مورث توسط وارث مانع ارث است یعنی بودنش جلوی ارث را میگیرد اما نبودنش نه مستلزم ارث بردن است و نه مستلزم ارث نبردن.

بخش سوم: جایگاه پراهمیت تولید از منظر قرآن و روایات

قرآن، در تولید، دو عنصر را عامل مهم و مؤثر می شناسد: یکی طبیعت و دیگری نیروی انسانی اعم از فکری و فیزیکی. شایسته و مفید بودن، از ویژگیهای کار در نظام اقتصادی اسلام است؛ یعنی کسی که کاری انجام می دهد باید به حال جامعه کنونی و آینده مفید باشد و مخالف با اخلاق و اهداف تربیتی اسلام نباشد و از کارهای پراکنده و بی فایده بپرهیزد و وقت و نیروی خود را به هدر ندهد.

بند اول: اقدام به کار و کوشش

قرآن، در تولید، دو عنصر را عامل مهم و مؤثر می شناسد: یکی طبیعت و دیگری نیروی انسانی اعم از فکری و فیزیکی. پس بهره گیری از مواهب طبیعی جز با تلاش و ایجاد هماهنگی میان طبیعت و نیروی انسانی امکان پذیر نیست: هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ. (ملک: ۱۵) او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی وست. در جای دیگر، ایجا د ارتباط و پیوند میان کار و طبیعت با صراحت بیشتری آمده است: وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ. (یس: ۳۴ و ۳۵) و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه هایی از آن جاری ساختم، تا از میوه آن و از دسترنج خویش بخورند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۹۷).

در این آیات، «زمین»، «آب» و «درخت» به عنوان منبع تولید، و حرکت و تلاش در زمین به عنوان ابزار تولید معرفی شده است و مردمان فرمان یافته اند تا با استفاده از این عوامل به کسب معاش بپردازند و در استخراج و بهره گیری از پدیده های عالم، به طور مستقیم سهمیم باشند، در تولید مباشرت کنند، بدون وساطت دیگران زندگی نمایند و ثقل و سنگینی خود را به دوش دیگران نیفکنند. پیامبر اسلام می فرماید: كُلُوا مِنْ كَدِّ أَيْدِيكُمْ. از حاصل دسترنج خود بخورید. آیین اسلام، به کار ارزش فراوان می دهد، آن را می ستاید و منشأ مالکیت می داند. قرآن در این باره می فرماید: وَ أَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹) و برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست. و نیز می فرماید: لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ (نساء: ۳۲) مردان از آنچه به دست می آورند نصیبی دارند و زنان نیز نصیبی. بافت ادبی آیات و به کار رفتن واژه های، «سعی» و «اکتساب» در آنها ما را بر این امر واقف می سازد که در تولید و هر امر دیگر باید به کار و تلاش تکیه کرد. صرف گفتار و نظر، منشأ اثر نمی گردد و هر نوع پیشنهاد و طرح اقتصادی بدون پشتوانه عملی، تأثیری در روند تکاملی تولید و رشد اقتصادی نخواهد

داشت و باید طرح را در عمل پیاده کرد. امام صادق (ع) می فرماید: مَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بَسْطَ اللِّسَانِ وَ كَفَّ الْأَيْدِ وَ لَكِنْ جَعَلَهُمَا يُسْطَظَنَ مَعًا وَ يَكْفَانُ مَعًا. خدا، زبان را برای گشادن [گفتن] و دست را برای بستن [کار نکردن] نیافریده است، بلکه باید این دو عضو، با هم گشاده و با هم بسته شوند (ابن‌فاضل، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۵).

نباید فقط دعا و نیایش را جایگزین کار و تلاش ساخت و در تأمین زندگی تنها به دعاها و ذکرها و توسلات روی آورد، چرا که اندیشه ای نادرست و مخالف با آیین اسلام است؛ علاء بن کامل به خدمت امام صادق رسید و گفت: در حق من دعا کن، شاید خدا، به برکت آن برایم روزی دهد. فرمود: هرگز برایت چنین دعایی نمی کنم؛ از راهی که خدا فرمان داده است روزی بجوی. همه پیامبران به نحوی کار می کردند؛ حضرت داوود از راه زره سازی و حضرت موسی از راه چوپانی هزینه زندگی خود را تأمین می کردند و دیگر پیامبران نیز همچنین. حضرت پیامبر می فرماید: صَارَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ إِلَى الْأَجْرِ بِالصَّبْرِ وَ إِلَى الْأَمَلِ بِالْعَمَلِ. اولیای خدا از راه صبر و استقامت، به پاداش، و از راه عمل به آمل [خود] رسیدند. آدمی با کار مثبت به آمل خود می رسد نه با امید و خیال؛ حضرت علی می فرماید: الْأُمَانِي تَخْذَعُكَ وَ عِنْدَ الْحَقَائِقِ تَدْعُكَ. آرزوهای خیالی تو را می فریبد و به هنگام برخورد با واقعیات نومیدت می سازد (بهبهانی، ۱۳۱۰ق، صص ۶۵۴-۶۵۰).

بند دوم: رها نگذاشتن منابع تولید و استفاده بهینه از آنها

خداوند منابع تولیدی و مواد اولیه تأمین زندگی چون: آب، خاک، دام، معادن و... را در زمین قرار داده و آن را برای بشر گسترده است: «وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ زمین را برای خلائق آفرید» (الرحمن: ۱۰). و از طرفی به انسانها قدرت فکری و علمی داده تا بتوانند آن را تسخیر کنند و از آنها خواسته که زمین را آباد سازند تا به معاش و آسایش برسند: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود: ۶۱). با وجود این شرایط، کسی که منابع عظیم تولید در اختیار دارد نباید آنها را همچنان به حال خود رها کند، بلکه باید با تدبیر و تلاش و به کمک تجهیزات پیشرفته فنی و صنعتی، آن را به کار گیرد و در توسعه کشاورزی، دامداری، درخت کاری و باغداری بکوشد، در کشف و استخراج ذخایر ارضی و معادن فعالیت نماید. در مهار و هدایت کردن نزولات آسمانی، آبهای سرگردان، سیلابها و چشمه سارها بطور اساسی و علمی چاره اندیشی کند، تا از این سرمایه های الهی به خوبی بهره برداری شود و بدون استفاده ضایع نگردد.

حضرت امام صادق می فرماید: «ما يُخْلَفُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ؟ قَالَ: يَجْعَلُهُ فِي الْحَائِطِ وَالْبُسْتَانِ وَالْدَّارِ؛ كَسَى پَس از خود چیزی را پس انداز نمی کند که برایش سخت تر از ثروت راكد باشد: [راوی می گوید] گفتیم با آن مال چه کند؟ فرمود: آن را در [ساختن] باغ و بستان و خانه به کار اندازد» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۵۴).

بخش چهارم: خوداتکایی و پرهیز از کالای خارجی

احتج لِمَنْ شِئْتَ تَكُنْ اسیرَه... امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: به هر کس می خواهی محتاج باش (ولی بدان) اسیر او خواهی شد. (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۶)

یکی از نتایج زیانبار استفاده از محصولات بیگانگان، به ویژه در نیازهای اساسی، آن است که فرد یا جامعه را به اسارت بیگانگان درمی آورد و آنها را دچار ذلت و خواری می سازد. بر این اساس، در تمام آموزه های اسلامی به تک تک افراد تاکید می شود که با تلاش و کوشش به گونه ای زندگی کنند که مجبور به دست دراز کردن به سوی دیگران نشوند.

در مقیاس کلی تر، رهبران جامعه اسلامی بر طبق احکام و قوانین الهی موظفند که تمام زمینه های نیازمندی و وابستگی به بیگانگان به ویژه دشمنان را از میان بردارند و در تامین نیازهای اساسی، به امکانات و منابع و تولیدات داخلی جامعه اسلامی اکتفا کنند و بسترهای رفع این نیازها را در درون جامعه اسلامی فراهم سازند. چرا که عزت و عظمت مردم و جامعه تنها از این رهگذر تحقق می یابد و حفظ می شود. امام صادق علیه السلام در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می فرماید: لا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَةُ بَخِيرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا اطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَاذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذِّلِّ. همیشه این امت در خیر و خوشی به سر خواهد برد تا وقتی که لباس بیگانگان را نپوشیده و غذاهای آنها را نخورده باشد. اما روزی که چنین کرد (نیازهای اساسی اش را با محصول و تولیدات بیگانگان تامین کرد و عادت به استفاده از کالای خارجی یافت) خداوند ایشان را گرفتار ذلت و خواری خواهد ساخت. (بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۲۳)

در این باره از امام باقر علیه السلام نقل است که: خداوند تبارک و تعالی به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به پیروان بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل و سبک آنان ظاهر نشوند؛ چرا که در آن صورت، ایشان نیز دشمن من خواهند بود. (معجم احادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۲۷۶)

حضرت امام خمینی رحمه الله با توجه به چنان روایاتی و همین طور آثار زیانبار دیگری که با استفاده از محصولات بیگانگان ایجاد می‌شود، در وصیت‌نامه الهی و سیاسی خود، خواستار ممنوعیت ورود کالاهای لوکس و تجملاتی خارجی شده و می‌نویسند: از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایید و مردم با آنچه (خود) دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند و از جوانان، دختران و پسران می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و ... که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود، نکنند که آنان چنانچه تجربه نشان داده، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چابیدن ذخایر شما ... و مصرفی نمودن ملت و کشور شما به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۷)

بخش پنجم: مصادیقی از قواعد فقهی کاربردی مرتبط با موضوع

فقیهان به طور مستقل یا در ضمن مباحث فقهی خود این قواعد را به تفصیل مطرح کرده‌اند، در این قسمت بیشتر کارکرد این قواعد در بازار کار مورد توجه است.

بند اول: قاعده ی نفی سبیل

قاعده نفی سبیل از قواعد مهم فقه اسلامی و مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) است. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید که در عالم تشریع هیچ گونه حکمی که موجب سبیل و علو و سلطنت کافر بر مؤمنان و مسلمانان باشد، وجود ندارد و تشریع و جعل نیز نشده است.

بند دوم: مستندات قاعده

غیر از آنچه از کریمه مذکور در قسمت قبل در ادله این قاعده آمد، دو مستند دیگر نیز ذکر شده است که یکی علو اسلام بر غیر آن و سلطه ناپذیری آن را تأکید کرده است و دیگری عزت و شرافت اسلام و مسلمانان را مورد عنایت قرار داده است که در ادامه به این دو مؤلفه اشاره می‌شود.

• علو اسلام و سلطه ناپذیری آن

پیامبر (ص) می‌فرماید: «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۴). از حیث دلالت ظاهر این حدیث شریف با توجه به قراین حالیه ای که در خود روایت وجود دارد و پیغمبر اکرم (ص) را در مقام تشریع و قانونگذاری قرار می‌دهد در مقام بیان این مطلب است که اسلام موجب علو مسلمان بر

غیرمسلمان می باشد و خداوند تعالی در عالم اعتبار تشریعی علوی به مسلمان عطا فرموده است و این علو غیر از آن معنویاتی است که هر مسلمانی واجد آن است. اصولاً در مقام تشریع و قانونگذاری اگر علوی به مسلمان بخشیده شود این علو باید در حیطه قانونی اعتبار شده باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۱۳).

بنابراین در دین اسلام از سوی باری تعالی هیچ گونه حکمی تشریع نشده است که موجب علو و سلطنت کافر بر مسلمان باشد؛ این امور باطل و منفی اند و اعتبار حقوقی ندارند. به فرض اگر پیمانی بین یک کشور اسلامی و یک کشور غیر اسلامی واقع شده، نتیجه آن پیمان سلطه کفار بر مسلمانان باشد، این پیمان هیچ ارزش قانونی و شرعی ندارد. قاعده نفی سبیل نه تنها معنایی است مورد تسالم اصحاب امامیه، بلکه مورد تسالم تمامی فقهای اسلام است و این دلیل بزرگ ترین دلیل برای حجیت یک حکم شرعی می باشد (همان، ص ۳۵۵).

• عزت مسلمان

به مقتضای اینکه شرف و عزتی که در اسلام هست، بر صادرنشدن احکام و قوانینی که سبب ذلت مسلمانان و استخفاف آنان و علو کفار شود، عِلَّتِ تَامِه می باشد؛ بنابراین همان طور که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸). خداوند سبحان عزت مؤمنان را هم در عداد خود و هم رسول خود قرار می دهد؛ بنابراین نمی توان احکامی را تشریع کرد که سبب ذلت مسلمانان شود، بلکه لازمه این دین مقدس آن است که تمامی احکام باید سبب عزت مسلمانان باشد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، صص ۳۵۸-۳۵۷).

در همین زمینه برخی معتقدند مبنای فقهی حمایت از تولید ملی، قاعده نفی سبیل بوده و این قاعده در عرصه اقتصادی بیانگر استقلال و خودکفایی اقتصادی می باشد (جلاییان نیا و همکاران، ۱۳۹۴). در بررسی متون تاریخی هم بیشترین فراوانی استدلال درباره ضرورت مصرف تولیدات وطنی، مربوط به همین مبنا بود؛ بنابراین مصرف کالاهای دول کفر اگر موجب تقویت اقتصادی آنان و سلطه آنان بر اقتصاد کشور اسلامی و در نتیجه تضعیف آن شود، بر طبق این مبنا جایز نیست؛ هرچند از طریق واردات رسمی به داخل کشور آمده باشد.

بند سوم: قاعده استیمان (عدم ضمان امین)

از قواعد مسلم فقهی، عدم ضمان امین درباره اموالی است که در اختیار او قرار دارد. امین، ضامن تلف بدون تعدی و تفریط نیست. نیروی کار استخدام شده، عامل در عقد مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله و وکیل در انجام کار، امین هستند و چنانچه اموال در اختیار آن‌ها بدون کوتاهی از بین برود، ضامن نیستند (حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۴۸۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ص ۲۴۷). اصل اولیه درباره افراد شاغل در بازار کار که وسایل و ابزار کارفرما در اختیار آنان قرار می‌گیرد، امین بودن و قابل اعتماد بودن آنان است. امین کسی است که با اذن از سوی مالک یا شارع در مال تصرف می‌کند و مال به صورت امانت در اختیار او قرار گرفته است. وجود این اصل، فضای حاکم بر روابط بازار کار را از دوگانگی و تضاد و سوءظن دور می‌سازد و روحیه برادری را گسترش می‌دهد. در این فضا، امکان همکاری بین صاحب سرمایه و نیروی کار بالا می‌رود و هزینه همکاری کاهش می‌یابد. همچنین وجود این مبنای اعتماد، عامل کار را در حفظ اموال صاحب کار ترغیب می‌کند و با دوری از اسراف تعهد خود را نشان داده، از تعدی و تفریط دوری می‌کند؛ البته اگر قرآینی بر بی‌تعهدی عامل یافت شود و بر تعدی و تفریط او دلالت کند، حکم بر ضمان می‌شود. در این صورت، عامل از حالت امین بودن خارج شده است.

بند چهارم: قاعده احسان

به مقتضای آیه «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (توبه ۹، ۹۱) و «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمن ۵۵، ۶۰) چنان‌که شخص به قصد نیکوکاری برای دفع ضرر یا جلب منفعت دیگری، کاری کند و کار او باعث خسارت شود، ضامن نیست، و باید از اقدام شایسته او سپاسگزاری کرد. هرگاه نیروی کاری از جانب کارفرما اجازه تصرف ندارد، به قصد محافظت از اموال او و دفع خطر در آن مال تصرف کند و بخشی از مال در اثر تصرف از بین برود، ضامن نیست (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۹۱؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۴۷۹). همچنین اگر عامل برای حفظ اموال صاحب کار مجبور شود بدون اذن او کاری انجام دهد، نباید حق او ضایع شود و به علت انجام خدمت، مزد چند روز کار را از دست بدهد؛ بلکه صاحب مال باید اجرت عامل را بپردازد؛ چون عامل محسن است و عمل او براساس قاعده احترام عمل مسلمان ارزشمند است (آل کاشف‌الغطاء، بی‌تا: ج ۱، ص ۹۲).

وجود این قاعده باعث می‌شود که نیکوکاران، از انجام عمل نیک منصرف نشوند و با کار خود در حفظ اموال همدیگر بکوشند؛ هرچند اموال در اختیار آن‌ها قرار نگرفته باشد؛ بنابراین، تلاش نیروی کار در

اداره کردن اموال غیر، با قصد خیر ضایع نمی شود و به تناسب ارزش آن جبران می شود (محمّدی، ۱۳۷۳: ص ۴۶؛ محقق داماد، ۱۳۷۴: ص ۲۷۶). احسان او با احسان جبران می شود و صاحب مال باید اجرت کار او را ادا کند. عدم ادای دستمزد او نوعی سبیل و خسارت بر او است. می توان از اطلاق نفی سبیل و لزوم جزای احسان به احسان در آیه استفاده کرد که مقصود از قاعده احسان، فقط نفی ضمان محسن درباره خسارات وارد به غیر نیست که مورد نظر فقیهان است؛ بلکه هر نوع خسارتی را شامل می شود؛ چه خسارت وارد بر محسن و چه خسارت وارد شده بر مال غیر؛ البته پوشیده نیست که محسن نباید کار را با قصد تبرع انجام داده یا کار عرفاً ارزش مالی نداشته باشد؛ وگرنه قاعده شامل نخواهد شد.

بند پنجم: قاعده اتلاف

طبق قاعده عقلایی و عرفی، هر کس مال دیگری را از بین ببرد، ضامن جبران آن خواهد بود. این قاعده مورد تأیید شرع است و از مجموع ادله شرعی می توان مفاد این قاعده را استنباط کرد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق: ص ۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ص ۹۳؛ محقق داماد، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۸۶ و ۱۰۹). در ضمن مقصود از مال، اعم از عین و منفعت است.

در بازار کار، اگر عامل، عین مال صاحب کار را از بین ببرد، ضامن است. اگر صاحب کار قدرت کار و منافع عامل را از بین ببرد، ضامن خواهد بود. قدرت کارکردن کارگر مالیت و ارزش دارد و صاحب کار نمی تواند مستقیم یا غیرمستقیم در نابودی توان کاری او دخالت داشته باشد. اگر محیط کار نامناسب باشد یا دستگاه غیرسالم و غیرمجهز به امکانات حفاظتی باشد و باعث خسارت به کارگر شود - گرچه صاحب کار به طور مستقیم توان کاری کارگر را از بین نبرده - چون او را در محیط نامناسب قرار داده، ضامن خسارت وارد شده خواهد بود. اگر در تولید کالا، کارگر از مواد اولیه بیش از حد استفاده کند و مقداری از آن را از بین ببرد، ضامن خواهد بود.

این امر در مورد کالای متعلق به بخش عمومی شدیدتر است. از آن جا که مالکیت این واحدها به عموم تعلق دارد، خسارت وارد کردن و استفاده نادرست از مواد اولیه باعث ضمانت برای عموم جامعه می شود. همچنین ممکن است در مورد استفاده از معادن، آبها و زمین های متعلق به دولت اسلامی، چنانچه به نابودی بخشی از اموال بینجامد، به ضمانت حکم کرد؛ برای مثال، اگر فاضلاب کارخانه به رودخانه ریخته شود و آلودگی پدید آورد یا استفاده نادرست از جنگل ها باعث نابودی آن یا نوع استفاده از معادن باعث هرزرفتن مواد اولیه شود، آلوده کننده رودخانه و از بین برنده جنگل و مواد اولیه، ضامن خواهد بود.

بند ششم: قاعدهٔ المؤمنون عند شروطهم

بند ہفتم: قاعدہ نفی عسر و حرج

بند هشتم: قاعده اکراه

از قواعد فقهی مهم، عدم صحت معامله‌ای است که شخص، به انجام آن مایل نباشد؛ ولی به واسطهٔ آکراه کسی، مجبور شود به معامله تن دهد. هرگاه تهدید جدی وجود داشته باشد و شخص احساس کند در

صورت عدم معامله ضرری به او وارد می‌شود، اکراه تحقق یافته است. در واقع به علت اکراه، عنان آزادی در تصمیم‌گیری و رضا به آن از بین می‌رود؛ گرچه عمل را با توجه به اکراه برمی‌گزیند تا تهدید عملی نشود. فقه، چنین معامله‌هایی را به علت وجود اکراه، نوعی اکل مال به باطل می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۵۷). اکراه، افزون بر آن که غیر نافذ بودن و بطلان معامله را از جهت وضعی، در پی دارد، حرام نیز هست. قاعده عدم اکراه و آزادی اراده گرچه در کتاب‌های فقهی به انعقاد عقد اختصاص دارد می‌توان آن را با قرائن و ادله متعدد شرعی تعمیم داد و به صورت یکی از اصول و مبانی حاکم بر بازارها از جمله بازار کار و احتمالاً به صورت قاعده فقهی مطرح ساخت. آزادی داشتن در انجام کارها، اصل اولیه است و دین مبین بر آن تأکید داشته و کوشیده است از آزادی افراد مراقبت کند. در بازار کار، به جز مشاغل محدودی که برای جامعه ضرر دارد و در شرع حرام شده است، مسلمان می‌تواند از میان هزارها نوع شغل هر کدام را که مایل است برگزیند. وجود آزادی در انتخاب مشاغل باعث شکوفایی خلاقیت و استعدادهای فراوان می‌شود.

امیرمؤمنان در نامه‌ای به قرظۀ بن کعب انصاری حاکم فارس می‌نویسد:

گروهی از مردم حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و اظهار داشتند که نهر آب آن‌ها خشک شده است. اگر آن را حفر کنند و به آب برسانند، منطقه آن‌ها آباد می‌شود و بر دادن خراج و مالیات قدرت می‌یابند و مقدار مالیات پرداختی ناحیه آن‌ها فراوان می‌شود. از من خواستند که به تو نامه‌ای بنگارم تا تو آن‌ها را بر کار حفر نهر و تدارک هزینه آن گردآوری: «و لست أن أجبر أحداً علی عملٍ یکرهه» و من شخص را به کاری که مایل نیست، و انمی‌دارم؛ پس آن‌ها را نزد خود بخوان. اگر مطلب همان‌گونه باشد، هر کس که به حفر و لایروبی نهر مایل باشد، او را به کار گمار، و نهر از آن فردی است که در آن کار کند، نه آن که به کار در آن تمایل ندارد. آباد کردن نهر و قدرت یافتن نزد من از سستی آن‌ها محبوب‌تر است (محمودی، ۱۳۷۸: ق ۵، ص ۳۵۹).

حفر نهر و لایروبی آن با این که از دید حضرت امیرمؤمنان نیکو است و منافع بسیاری برای افراد و جامعه و دولت اسلامی دارد و منطقه آباد، و درآمد دولت زیاد می‌شود، حاضر نشد مردم را به کاری که مایل نیستند، مجبور سازند.

همچنین در پاره‌ای از روایات وارد شده است که هرگاه زمین را از صاحبان آن اجاره می‌گیرند، کارگرانی که روی زمین کار می‌کنند، با انتقال زمین، منتقل نمی‌شوند و زمین با کارگران آنان معامله نمی‌شود؛ بلکه فقط زمین مورد معامله قرار می‌گیرد و کارگران زمین اگر بپذیرند، برای صاحب کار بعدی عمل

بند نہم: قاعدہ اسراف

طبق تعریف ذکرشده، قاعدهٔ اسراف و قاعدهٔ اتلاف متفاوت هستند. اسراف شامل مال شخصی و مال غیر است؛ زیرا مطلق تجاوز از حد در صرف مال اسراف است. قرآن می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» و تفاوت ندارد که خوردن و آشامیدن از اموال شخصی باشد یا در مهمانی یا در اموال عمومی و ...؛ ولی قاعدهٔ اتلاف، مربوط به مال غیر است (من اتلف مال الغير فهو له ضامن). اتلاف شامل مصرف غیرمصرفانه کالا نیز می‌شود. شخصی که بدون اجازه، مال دیگری را بخورد یا برای ساختن خانه از آن استفاده کند، اسراف نکرده است؛ ولی اتلاف صدق می‌کند و او ضامن اموال مردم است؛ البته اگر هرگونه تصرف حرام را تجاوز از حد و اسراف بدانیم، مورد پیش‌گفته اسراف نیز هست.

اسراف افزون بر مصرف، در تولید نیز رخ می‌دهد. اگر برای تولید کالایی، بیش از حد نیاز از مواد اولیه استفاده یا نیروی کار اضافی به کار گرفته شود یا بهره‌وری نیروی کار کم باشد و یا از ترکیب بهینه تولید بهره‌برداری نشود، در تمام این موارد اسراف منابع رخ می‌دهد. نیروی کار مسلمان برای واردنشدن در محدوده ممنوعه اسراف باید بهره‌وری خود را بالا ببرد و متناسب با مقدار دستمزد دریافتی با توجه به قرارداد منعقد، کار مفید صورت دهد و از شیوه تولیدی بهره گیرد تا کمترین ضایعات در زمان و مواد اولیه پدید آید (رضایی، ۱۳۸۱: ص ۲۸۷-۲۹۲).

آیا اسراف، افزون بر حرمت تکلیفی، حکم وضعی ضمان را نیز به دنبال دارد؟ فقیهان در مباحث متعددی مثل استفاده بیش از حد مصرف از مال زکات برای تهیه کفن میتی که پول کفن ندارد، عدم احتساب مصرف اسراف از مؤننه سال و لزوم ادای خمس آن، اعطای سهم سادات به حد نیاز و عدم اسراف، اسراف در عقوبات مالی و بدنی، به‌وسیلهٔ اولیای دم یا حاکم و اسراف در تنبیه و تأدیب، ضمانت مترتب بر

اسراف را مطرح کرده و پذیرفته‌اند (رحمانی، ۱۳۸۱: ص ۲۷۰-۲۷۷)؛ بنابراین می‌توان گفت که استفاده نادرست از منابع، ضمانت در پی دارد. همچنین اگر تولیدکننده مسلمان از منابع عمومی به‌طور نامناسب استفاده کند؛ آب‌ها، جنگل‌ها و معادن را با استفاده نادرست نابود کند؛ آلودگی محیط زیست پدید آورد یا منابع معدنی ضایع شود، این‌گونه مصرف‌کردن خارج از دایره ترخیص، و درباره آن ضامن است.

بند دهم: قاعده عدم انحصار یا عدم رفتار انحصارگرایانه

أ. اسلام، در بخش ثروتهای طبیعی، انحصار را ممنوع ساخته، و اجازه نداده است که ثروتهای طبیعی دست افراد محدودی قرار گیرد؛ بلکه زمین‌های موات، معادن، آب‌ها، جنگل‌ها، کوه‌ها و دیگر موارد انفال و ثروتهای عمومی در مالکیت دولت اسلامی یا همه مسلمانان قرار دارد. فقط با توجه به وضعیتی خاص ممکن است به افرادی اجازه داده شود که در ازای اجاره یا پرداخت سهمی از درآمد، بخشی از آن را به‌طور محدود در اختیار گیرند. (صدر، ۱۴۰۸ق: ص ۴۱۹ - ۴۹۵). این بحث به‌صورت گسترده در کتاب‌های فقهی آمده که ثروتهای طبیعی، ابتدا در ملکیت افراد قرار نمی‌گیرند.

ب. از احکام بازار اسلامی، ممنوع‌بودن احتکار است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۴۷۷). محتکر حق ندارد کالا را انبار کند تا قیمت آن بالا رود و سود سرشاری کسب کند. محتکر با ذخیره‌سازی و کاهش عرضه، نبض قیمت کالا را در دست می‌گیرد و بر تعیین قیمت حاکمیت می‌یابد. اسلام مانع حاکمیت محتکر شده و او باید کالا را در معرض عموم قرار دهد تا نظام بازار از حالت اولیه خارج نشود و قیمت‌ها به‌طور طبیعی تعیین شود. حتی پیامبر اسلام نیز از تعیین قیمت خودداری کرد (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۲، ص ۳۱۷ و ۳۱۸). وقتی اسلام به حاکم (جز موارد بسیار ضرور) اجازه نداده که قیمت مشخصی را تعیین کند و تعیین قیمت را به مجموعه عوامل بازار احاله کرده است، چگونه اجازه می‌دهد که عرضه‌کنندگان کالا یا خدمت به‌طور انحصاری عمل، و قیمت را تعیین کنند. احتکار، نوعی انحصار در بخش توزیع است که مورد نهی اسلام قرار دارد. از پیامبر اکرم نقل است:

من دخل فی شی من أسعار المسلمین لیغلبه علیهم کان حقاً علی الله ان یقذفه فی معظم من النار و رأسه اسفله (هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۱۰۱).

کسی که در موردی از نرخ‌های مسلمانان دخالت کند تا قیمت آن‌ها را بر ایشان گران سازد، بر خداوند متعالی است که او را وارونه به سخت‌ترین جای جهنم پرتاب کند. ۱

انحصارگر در بعد تولید با این که ظرفیت سرمایه تولید بیشتر با استخدام کارگر بیشتر را دارد، بخشی از ظرفیت سرمایه تولیدی را راکد گذاشته و آن را احتکار کرده، در معرض استفاده قرار نمی‌دهد. اگر در بازار کار، اتحادیه کارگری انحصار در فروش داشته باشد، با جلوگیری از عرضه کار، نیروی کار را احتکار می‌کند تا قیمت آن بالا رود و همین‌طور انحصار خرید که انحصارگر به‌گونه‌ای می‌خرد تا قیمت کمتری بدهد.

• حدیثی از امام صادق به این مضمون رسیده:

حضرت به غلام آزادشده خود به نام مصادف، هزار سکه طلا برای تجارت داد. مصادف با افراد دیگر کالایی را برای فروش در مصر تهیه کردند. نزدیک مصر اطلاع یافتند که این کالا نایاب است. با هم پیمان بستند که کالا را با سود صددرصد به فروش رسانند. وقتی به مدینه آمد و دو هزار دینار را نزد حضرت گذاشت و جریان را بازگفت، حضرت با ناراحتی فرمود: سبحان الله هم سوگند شدید که جز با سود صددرصد به ضرر مسلمان معامله نکنید! حضرت سود را برگرداند و فرمود: مصادف، پیکار در راه خدا از کسب حلال آسان‌تر است (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۲، ص ۳۱۱).

از روایت استفاده می‌شود که اتحاد و توافق گروهی از عوامل بازار برای تعیین قیمت خاصی که سودآوری فراوانی داشته باشد، کسب حلال نیست و عمل آن‌ها شبیه عملکرد کارتل‌ها و تراست‌هایی است که ضد مصرف‌کننده با هم اتحاد یافته، قیمت خاصی را با سود بالایی در بازار تعیین می‌کنند؛ بنابراین، هر انحصاری که قیمتی را تحمیل کند که باعث سختی مردم دست‌کم در کالای مورد نیاز عموم شود، ممنوع است.

د. انحصار باعث پدیدآمدن قیمت اجحافی می‌شود. امیرمؤمنان در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

باید دادوستد، آسان و منصفانه باشد و با ترازوی درست و به نرخ‌ی که خریدار و فروشنده هیچ یک زیان نبینند (رضی، ۱۳۹۵ق: نامه ۵۳، ص ۴۳۸).

قیمت در بازار انحصاری اجحافی است و متقاضی بیشترین ضرر را می‌بیند و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اگر قرار باشد قیمت در بازار انحصاری اجحافی نباشد، هیچ قیمتی، اجحافی نخواهد بود؛ زیرا در هر بازاری محدوده قیمت منحنی تقاضا است و هیچ فروشنده‌ای قیمت را در بالاتر از منحنی تقاضا تعیین نمی‌کند؛ وگرنه به فروش نمی‌رسد. شهید صدر می‌گوید:

اسلام با قیمت‌های مصنوعی که در فضای انحصار سرمایه‌داری در بخش توزیع تحقق می‌یابد، مبارزه می‌کند و سود پاک را سودی می‌داند که از قیمت واقعی کالا در مبادله پدید آید و آن قیمتی است که در تحقق آن ارزش کالا و درجه توانمندی کالا براساس عوامل طبیعی و قراردادی دخالت دارد و کمیابی ساختگی که محترکان و تاجران سرمایه‌داری از راه سلطه بر عرضه و تقاضا اعمال می‌کنند هیچ نقشی در آن ندارد (صدر، ۱۴۲۱ق: ص ۵۲ و ۵۳ و ۱۱۶).

ه. انحصار، با اهداف اقتصاد اسلامی هماهنگی ندارد. توزیع درآمد مناسب، توازن اجتماعی و عدالت، از اهداف اقتصاد اسلامی است. انحصار، باعث ایجاد اختلاف طبقاتی و توزیع نامناسب درآمد و باعث تداول ثروت در طبقه‌ای خاص می‌شود.

و. انحصار با عدم بهره‌گیری از امکانات و در مواقعی با اسراف و تبذیر اموال تلازم دارد. در بخش تولید، انحصارگر از تمام ظرفیت تولید بهره نمی‌گیرد و بخشی از سرمایه تولید از جریان کمک به جامعه خارج می‌شود. در مواقعی برای تثبیت قیمت، انحصارگر کالای تولیدی را نابود می‌کند؛ مانند نابودی بخشی از کالاهای کشاورزی برای تثبیت قیمت.

ز. انحصارگر با تعیین قیمت گاه افراد را مضطر می‌کند که کالا را با قیمت خاص بخرند و طبق قاعده اضطرار، عمل انحصارگر درست نیست.

ح. انحصارگر با تعیین قیمت بالا برای حداکثر سود خود بسیاری از افراد را که به کالا نیاز دارند، از دایره متقاضیان خارج می‌کند و این با روح تعاون و همکاری مؤمنان که اسلام بر آن تأکید دارد، منافات دارد:

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده (۵)، ۲۰).

این عمل به مثابه عدوان و دوگانگی است که شخص، نیاز دیگران را در نظر نگیرد و فقط برای جلب حداکثر منفعت مادی، قیمت بالا را تعیین کند.

ط. لازمه انحصار و هدف قرارگرفتن سود مادی، شیوع اخلاق تکاثرطلبی است. از آثار آن دنیاطلبی به شکل ناشایست است و این با محوریت شرافت انسانی در اقتصاد اسلامی تعارض دارد. روحیه انحصارگر، او را از جهت معنوی سقوط می‌دهد؛ زیرا هدف اصلی او کسب سود بیشتر و بالابردن قیمت به ضرر بازار اسلامی است.

ی. آنچه گفته شد، بدون در نظر گرفتن وظایف و نظارت دولت اسلامی است. از آن جا که وجود بازارهای انحصاری، مشکلات بسیاری را در اقتصاد کشور ایجاد می کند، دولت اسلامی برای حفظ مصلحت عمومی می تواند از ایجاد انحصار در تولید و توزیع جلوگیری کند یا این که بخشی از امور را در انحصار دولت قرار دهد تا زمینه فساد از بین برود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۵۹۶؛ صدر، ۱۳۶۲: ص ۱۰۸).

ک. برخی محققان معتقدند که تولیدکننده مسلمان به علت توجه به منافع اجتماعی، افزون بر منافع شخصی در وضعیتی که انحصار حاکم باشد، در نقطه برابری $MC=MR$ تولید نمی کند؛ زیرا تولید در این نقطه با اتلاف و استفاده غیرکارآمد از منابع همراه است. او می تواند با به کارگیری منابع و تولید محصول، ارزش اجتماعی بیش از هزینه نهایی ایجاد کند. گرچه سود او کم می شود، منافع خالص اجتماعی افزایش می یابد. حتی دولت می تواند او را به تولید در آن نقطه وادارد و در حقیقت نقطه تولید در بازار انحصار به نقطه انتخاب در بازار رقابت نزدیک می شود (موسویان، ۱۳۷۶: ص ۹۵ و ۹۶).

بند یازدهم: قاعده حاکمیت دولت اسلامی

در اقتصاد اسلامی، دولت وظایف متعددی را همچون هدایت و نظارت بازارها بر عهده دارد. منابع مالی مهمی همچون انفال، زکات، خمس در اختیار دولت است و باید در مصارف معین صرف شود. تولید کالای عمومی، تأمین اجتماعی، آموزش عمومی، و جمع آوری مالیات ها از موارد اصلی وظایف دولت است. با توجه به پذیرش اصل ولایت فقیه و حیطه اختیارات او و لزوم تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۴۶۰-۵۰۰؛ منتظری، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۸۵-۲۵۵) رفتار بازار کار در امور ذیل تحت الشعاع تصمیم های حاکم اسلامی قرار دارد، و محدوده عملکرد بازار، تصمیم حاکمیت است. به عبارت دیگر، دولت اسلامی می تواند در محدوده شرع مقررات خاص جعل و براساس اصل منطقه الفراغ یا رعایت مصلحت عمومی یا ولایت مطلقه، قوانین حکومتی متغیر تعیین کند (رضایی، ۱۳۸۲: ص ۷۹ و ۸۰) تا محدوده رفتارهای درون بازار کار مشخص شود؛ بنابراین، هر توافقی درون بازار که با قوانین مخالف باشد، مردود است. تصویب قانون کار و الزام کلیه کارفرمایان، کارگران کارگاه ها، مؤسسات تولیدی صنعتی و خدمات و کشاورزی به تبعیت از آن از موارد این قاعده است. مواردی که دولت می تواند در مورد آن تصمیم بگیرد، عبارتند از:

أ. نحوه تخصیص منابع دولت با اختصاص منابع گوناگون به افرادی که سرمایه مناسب در اختیار ندارند و با تعیین کیفیت بهره برداری از آن، تخصیص منابع را جهت می دهد و زمینه اشتغال بیکاران را فراهم می

سازد. پیامبر با اقطاع بخشی از منابع طبیعی یا تهیه ابزار کار، نیاز افراد را برطرف می‌ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۰، ص ۱۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۷۱: ص ۱۶).

ب. نظارت بر عملکرد بازار، تخصص‌ها و کیفیت ارائه خدمت از وظایف دولت اسلامی است. در تاریخ اسلام، نهاد حسبه در جایگاه ناظر بر بازار وجود داشته است و پیامبر و امیرمؤمنان خود این امر را انجام می‌دادند (قرشی، ۱۹۳۷م: ص ۲۲۲ - ۲۴۲).

ج. نظارت بر قیمت خدمت نیروی انسانی (همانند نظارت بر قیمت کالاها) بر عهده دولت است. امیرمؤمنان به مالک اشتر فرمود:

وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُتَجَفَّفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ (رضی، ۱۳۹۵ق: نامه ۵۳، ص ۴۳۸).

باید دادوستد آسان و منصفانه باشد و با ترازوی درست و به نرخ‌ی که خریدار و فروشنده هیچ یک زبان نبینند.

اگر بازار، قیمت عادلانه را محقق نسازد، دولت آن را تعیین می‌کند. از جمله کارهای اداره حسبه، نظارت بر قیمت هم بوده است (شیخلی، ۱۳۶۲: ص ۱۲۳).

د. دادن سرمایه به متقاضیان آن تا کمبود سرمایه از بین برود و قیمت کار به قیمت حقیقی نزدیک شود. شهید صدر می‌فرماید:

در نظام سرمایه‌داری، مواد اولیه در انحصار سرمایه‌دار است و از این جهت، کالای آن‌ها کمیاب می‌شود؛ در حالی که نیروی کار برای کسب حداقل درآمد، نیازمند عرضه کار خود با هر قیمتی که به او پیشنهاد شود است. اگر این کمیابی مصنوعی از بین برود، نیروی کار قیمت حقیقی خود را می‌یابد. عامل عمده سهم بالای سرمایه از درآمد، به سبب کمیابی مصنوعی است که انحصار پدید می‌آورد؛ البته در اقتصاد اسلامی، این امکان برای افراد پدید نمی‌آید که بتوانند بر حجم فراوانی از مواد اولیه مسلط شوند تا انحصار تحقق یابد؛ بنابراین، قیمت حقیقی برای عامل تحقق می‌یابد (صدر، ۱۴۲۱ق: ص ۹۴). دولت اسلامی وظیفه دارد از انحصار ابزار و وسایل کار هم جلوگیری کند تا زمینه بالابودن سهم صاحب سرمایه به نسبت نیروی کار فراهم نشود و هر عامل تولید، از قیمت حقیقی خود با توجه به کمیابی حقیقی نه مصنوعی آن بهره‌مند شود (همان: ص ۹۶).

ه دولت وظیفه دارد از ستم به نیروی کار به‌ویژه نیروی کار ساده که امکان استثمار آن‌ها بیش از دیگران است، جلوگیری کند و با نظارت بر قراردادهای و مفاد آن، مانع تعدی به حقوق آن‌ها شود. امام صادق فرمود:

پیامبر هنگام وفات به علی وصیت کرد که مراقب باشد تا به کشاورزان در محضر او ستم نشود... و اجیر مورد تمسخر قرار نگیرد (حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ص ۲۱۶). وصیت به امیرمؤمنان که مسؤولیت امت را به عهده داشت، دلالت می‌کند که حاکم باید به این وظیفه عمل کند.

و. از کار افتادگان باید تأمین باشند و نیازهای مالی آن‌ها تدارک شود. همچنین اگر افراد فرصت کار ندارند و کار مناسبی برای آن‌ها یافت نشود و اجباراً بیکار باقی بمانند، دولت باید آن‌ها را هم تأمین مالی کند (صدر، ۱۴۲۱ق: ص ۵۵ و ۱۱۷). بیکاران و درماندگان اهل ذمه نیز باید تأمین مالی شوند (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱، ص ۴۹).

ز. از جمله واجبات کفایی برای مسلمانان هر منطقه، این است که نیازهای اجتماعی خود را در حد توان تأمین کنند. اگر برخی نیازها پاسخگو نداشته باشد، دولت می‌تواند برای مصلحت عمومی، برخی از مشاغل را بر افرادی الزام کند تا آن نیاز تأمین شود. اگر جامعه به متخصص در زمینه خاصی نیازمند است، دولت باید زمینه تحقق آن را پدید آورد و اگر کسی حاضر نشد، اجبار کند (صدر، ۱۴۲۱ق: ص ۸۶؛ همو، ۱۴۰۸ق: ۶۵۳ - ۶۵۵)؛ البته اجبار دولت باید به‌گونه‌ای باشد که انگیزه تولید کارا را تحقق یابد و چون تأمین کالای ضرور برای جامعه از واجبات کفایی برای تولیدکنندگان است، با ایجاد انگیزه دینی سعی شود آن‌ها به عمل ترغیب شوند.

ح. در بخش عمومی، مزایای دستمزد باید به‌گونه‌ای باشد که نیروی انسانی نیازهای زندگی خود را بتواند تأمین کند و چون با بیت‌المال سروکار دارد، از خیانت در آن خودداری کند. امیرمؤمنان در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

کارگزاران خود را از میان خاندان‌های پارسا ... برگزین ... پس روزی آن‌ها را زیاد کن؛ زیرا فراوانی روزی به آن‌ها توان می‌دهد تا خود را اصلاح کنند و آنان را بی‌نیاز می‌کند تا در مالی که در اختیار دارند، خیانت نکنند (رضی، ۱۳۹۵ق: نامه ۵۳، ص ۴۳۵).

بند دوازدهم: قاعده تعاون

طبق آیه مبارکه تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِيمِ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (مائده (۵)، ۲)، مؤمنان باید بر نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری رسانند و از همکاری بر گناه و دشمنی بپرهیزند. هر آنچه طاعت الهی شمرده شود، نیکی است و ستم، از موارد گناه و دشمنی با خدا و مؤمنان به‌شمار می‌رود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ص ۱۱۷ و ۴۰۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۵، ص ۱۹۰). بازار اسلامی جایگاه همکاری جهت تحقق نیکی و کمک به سالم‌سازی و دوری از سوءاستفاده از موقعیت‌های بحرانی است. همکاری در جهت تشکیل کارتل و تراست به منظور کنترل قیمت از موارد همکاری بر گناه و دشمنی است. عملکرد غلام امام صادق و تبانی او با دیگر فروشندگان در مورد افزایش قیمت کالای نایاب و رد این عمل از سوی امام در بحث قاعده انحصار گذشت (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۲، ص ۳۱۱). از سوی دیگر، همکاری نیروی کار در تشکیل اتحادیه جهت حمایت از حقوق خود از نوع تعاون بر نیکی است؛ ولی همکاری آن‌ها نباید باعث وقوع خسارت به اموال کارفرما شود. اتحادیه‌های کارگری باید در مورد اجرای اعتصاب‌ها به‌گونه‌ای تصمیم بگیرند که باعث تعطیلی جریان تولید کالا و متضرر شدن مردم نشود. همکاری نیروی کار در مورد کم‌کاری نیز از موارد تعاون بر دشمنی است. در ضمن براساس این اصل می‌توان عملکرد شرکت‌های تعاونی در جهت بهبود قیمت‌های بازار و توزیع سود بین نیروی کار را تصحیح کرد.

منابع و مأخذ:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲. بجنوردی، سید محمد حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی المهریزی، محمد حسین الدرایتی، قم، نشر الهادی.
۳. توانایی فرد، حسن (۱۳۸۵)، فرهنگ تشریحی اقتصاد، تهران، انتشارات جهان رایانه امین.
۴. جزایری، نورالدین بن نعمه الله (۱۴۱۴)، فروق اللغات، مترجم: اسماعیل شفق، انتشارات گیسوم.
۵. جلائیانیا، علی اکبر؛ جعفری، قاسم؛ پوربافرانی، علی رضا؛ یزدانی، فهیمه (۱۳۹۴)، «حمایت از تولیدات ملی و قاعده‌ی نفی سبیل»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۰۵ علمی-ترویجی (حوزه علمیه).
۶. حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، الطبعة السادسة.
۷. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۸)، العناوین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۸. حبیب، سلیمان (۱۳۸۶) فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۰. رحمانی، محمد (۱۳۸۱)، «حکم اسراف از نگاه ملا احمد نراقی»، مجموعه مقالات کنگره فاضلین نراقی، قم، دبیرخانه کنگره فاضلین نراقی، ج ۱.
۱۱. رضایی، مجید (۱۳۸۱)، «قاعده لاسرف و لا اسراف فی الاسلام»، مجموعه مقالات کنگره فاضلین نراقی، قم، دبیرخانه کنگره فاضلین نراقی، ج ۱.
۱۲. رضی، ابوالحسن الشریف (۱۳۹۵)، نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، قم، انتشارات هجرت.

۱۳. شیخلی، صباح ابراهیم (۱۳۶۲)، اصناف در عصر عباسی، هادی عالم‌زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. صدر، سیدکاظم (۱۴۰۸) احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، قم، انتشارات ۲۲ بهمن.
۱۵. طباطبایی بروجردی، حسین (۱۳۸۰)، جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، تهران، مطبعه‌المساحه.
۱۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۸)، مجمع‌البحرین، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۷. عاملی، شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۱۲)، قواعد فقهی، قم، انتشارات مفید.
۱۸. فاضل آبی، حسن‌بن‌ابی‌طالب (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، قم، انتشارات نشر اسلامی.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶)، القواعد الفقهیه، قم، بی‌نا.
۲۰. قرشی، محمد بن محمد بن احمد (۱۹۳۷م)، معالم القربۃ فی احکام الحسبه، تصحیح روبن لیوی، کمبریج، دارالفنون.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴)، بحارالانوار، کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم، تهران.
۲۳. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۸)، قواعد فقه، بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۴. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۳)، قواعد فقه، تهران، مؤسسه نشر یلدا.
۲۵. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، مرکز تحقیقات دارالحديث.
۲۶. مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳)، فرهنگ اقتصادی، تهران، انتشارات پیشبرد و نگاه.



۲۷. مکارم الشیرازی، ناصر (۱۴۱۱)، القواعد الفقہیہ، قم، مدرسۃ الامام امیرالمؤمنین.
۲۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیلہ، قم، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۹. موسویان، سیدعباس (۱۳۷۶)، پس‌انداز و سرمایہ‌گذاری در اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاہ فرهنگ و اندیشہ اسلامی.
۳۰. نراقی، المولی احمد بن محمدمہدی (۱۳۷۵) عوائد الایام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۱. ہندی، علی المتقی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، موسسۃ الرسالہ.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

دانشگاه فرهنگیان
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

مصدور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(با محور بر چسبه و هوادار نام مخصوص)

پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information
Database
  DRJI
Directory of Research
Journals
Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF
PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science